

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال ششم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

معرفی نسخه خطی دیوان میرزا سید یحیی مدرس متخلص به فدایی یزدی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن^۱

فاطمه چاشنی‌گیر^۲

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

دکتر عزیزالله توکلی کافی آباد^۳

استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

دکتر محمود صادق‌زاده^۴

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

چکیده

میرزا سید یحیی مدرس متخلص به فدایی یزدی، متوفای ۱۲۸۲ هجری قمری، از شخصیت‌های علمی و ادبی دوره قاجار است. دیوان اشعار به‌جای‌مانده از وی شامل شش نسخه خطی و دربردارنده ۶۰۰۰ بیت شعر در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی است که تاکنون به چاپ نرسیده است. این پژوهش با هدف معرفی و بررسی ویژگی‌های سبک‌شناسی نسخه و به روش توصیفی - تحلیلی و با کمک مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. این جستار در پی پاسخگویی به این پرسش است که «بارزترین ویژگی‌های سبکی این

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۲

۱ تاریخ وصول: ۹۹/۷/۹

۲ f.chashnigir@gmail.com

۳ tavakoli@iauyazd.ac.ir

۴ sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

اثر چیست؟». نگارنده در این پژوهش ضمن معرفی نسخه‌های خطی و ویژگی‌های رسم‌الخطی آن، سبک‌شناسی دیوان را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی کرده است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد سبک فدایی یزدی بازگشت ادبی است و در این میان به حافظ و سعدی توجهی خاص داشته است. تنوع اوزان به همراه ردیف‌های اسمی موجب غنای شعر او شده است. در کاربرد انواع صور خیال بیشتر تشبیه حسی به حسی و در صنایع بدیعی، تلمیح و لفونشر و تکرار بسامد بالایی دارد. در سطح فکری، درونمایه اشعار عشق است؛ اما مضامین اخلاقی، عرفانی و به‌ویژه فلسفی، از نوع اندیشه خیّامی نیز در این اثر دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی

فدایی یزدی، دیوان اشعار، نسخه خطی، سبک‌شناسی، بازگشت ادبی

۱- مقدمه

نسخ خطی نمودها و نمادهای درخشان و باشکوه تمدن و فرهنگ جوامع و ملت‌هاست. برای برخورداری از این گنجینه‌های ارزشمند و پیشگیری از نابودی آن لازم است این آثار با ژرف‌نگری و دقت و کنجکاوی، تصحیح و بررسی و تحلیل شوند. نجیب مایل هروی در کتاب خود می‌نویسد: «بی‌تردید باید به نسخه‌های خطی به‌عنوان میراث مکتوب بنگریم و این میراث معنوی را با روش‌های علمی محافظت کنیم و با روش‌های انتقادی، زنده و زبان‌آور بسازیم» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۱۹۸). احیای آثار مکتوب برجای‌مانده از بزرگان گذشته یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن هر جامعه است. «بر این اساس، توجه به احیا و تصحیح متون علاوه بر روشن شدن بخش‌هایی از تمدن و فرهنگ اسلامی، نمایانگر هویت و حیثیت ایرانی فارسی‌زبانان است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۴۰). «جنبش بازگشت در نیمه دوم قرن دوازدهم،

یعنی از اواخر دوره افشاریه، پدیدار شد و در عهد کریم‌خان توسعه یافت؛ اما رواج اصلی و اشاعه کامل آن از زمان فتحعلی‌شاه قاجار به بعد است. نهضت بازگشت دو شاخه اصلی دارد: اول قصیده‌سرایی به سبک شاعران کهن خراسان و عهد سلجوقی؛ دوم غزل‌سرایی به سبک عراقی یعنی تقلید از حافظ و سعدی» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۳۰۶).

فدایی یزدی یکی از شاعران عصر قاجار است. او در شهر یزد زندگی‌اش را در اشتغال به تعلیم و تعلم سپری کرد و مجموعه‌ای از آثار علمی و ادبی فارسی و عربی از خود به جای گذاشت. از جمله آثار قلمی او *دیوان اشعار* اوست که به صورت نسخه خطی باقی مانده است. این دیوان شامل شش نسخه در کتابخانه‌های ایران و یک نسخه در کتابخانه شخصی سید یحیی مدرس و امق است. در این میان هیچ‌کدام از نسخه‌ها کامل نیست؛ زیرا در هر نسخه دو یا سه قالب شعری از دیوان آورده شده است و تنها نسخه‌ای که همه قالب‌ها را شامل می‌شود، نسخه موجود در کتابخانه شخصی آقای سید یحیی مدرس و امق است؛ بنابراین نسخه مرعشی نجفی، نسخه اساس برای تصحیح قالب غزل و رباعی، و نسخه محفوظ در کتابخانه شخصی مدرس و امق، نسخه اساس برای تصحیح قالب‌های قصیده، قطعه و مثنوی برگزیده شد. فدایی از سبک بازگشت ادبی پیروی کرده است و ویژگی‌های رایج این سبک در دیوان وی دیده می‌شود.

۱-۱ پیشینه پژوهش

با وجود تحقیقات بسیاری که در حوزه تصحیح نسخه خطی انجام شده است، هنوز تعداد بسیاری از ادیبان و آثارشان در گمنامی باقی مانده‌اند. فدایی یزدی از جمله شاعرانی است که تاکنون دیوانش - که به صورت نسخه خطی برجای مانده - از دسترس اهل ادب به دور مانده است. تعدادی از تذکرها که از فدایی نامی برده‌اند، عبارت است از: تذکره میکده (وامق، ۱۳۸۱: ۲۰۰)؛ *حدیقه الشعرا* (دیوان بیگی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۱۳۰۴)؛ *ریحانه‌الادب* (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۰۴)؛ *آئینه دانشوران* (ریحان یزدی، ۱۳۵۴: ۱۲۵)؛ *تذکره منظوم*

رشحه (رشحه اصفهانی، ۱۳۴۴: ۵۹)؛ تذکره شبستان (مدرسی، ۱۳۷۹: ۷۵۰)؛ دانشنامه مشاهیر یزد (کاظمینی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۱۱۲)؛ تذکره سخنوران (خاضع، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۳۵)؛ تذکره شعرای یزد (فتوحی یزدی، ۱۳۸۲: ۱۸۰)؛ همچنین در مقاله «فدایی یزدی و منظومه نحویه او» (احمد عثمان و مسرت، ۱۳۷۹: ۳۴۹-۳۵۹)، پایان نامه دکتری «شرح و تحقیق و تصحیح نسخه خطی منظومه فی علم النحو» (احمد عثمان، ۱۳۷۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد «تصحیح انتقادی غزل‌های فدایی یزدی تا حرف ذال» (کیمانی، ۱۳۹۴).

۲- معرفی شاعر و آثارش

۲-۱ زندگینامه

میرزا سید یحیی مدرس متخلص به فدایی یزدی فرزند میرزا محمدعلی مدرس (وامق یزدی) صاحب تذکره میکده است. او از جمله شخصیت‌های علمی و ادبی نیمه دوم قرن دوازدهم هجری قمری است که دروس و معارف ابتدایی را نزد پدر آموخت. آنگاه برای ادامه تحصیلات راهی مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مدرسه دینی و علمی آن زمان در یزد، یعنی مدرسه مصلاهی صفدرخان (مدرسه اسحاقیه) شد. بعد از کسب علوم دینی و ادبی متداول، به ادبیات عرب علاقه بسیاری پیدا کرد و در این زمینه به‌ویژه علم نحو مهارت یافت و در شهر یزد زندگی‌اش را در اشتغال به تعلیم و تعلم سپری کرد. فدایی یزدی به پیروی از پدرش در میدان شاعری قدم گذاشت و در غزل و رباعی سرآمد دوران خود گشت. پدر فدایی، وامق، فرزندش را خوش اخلاق، سالک، پرهیزکار، خوش حافظه و دارای طبع روان دانسته است که برای مسائل اخلاقی و اجتماعی اهمیت بسزایی قائل است. فدایی خطی کاتبانه داشته است و گویا به همین دلیل پدرش در سال ۱۲۶۲ ق. پس از نگارش نهایی تذکره میکده آن را به یزد می‌فرستد تا نسخه‌ای از آن با خط خوش فرزندش استنساخ شود. تنها فرزند مشهور سید یحیی فدایی، میرزا سید حسین وامق از علمای نامی یزد در اواخر

دوره قاجار و اوایل پهلوی اول است. تذکرها سال تولد فدایی یزدی را ذکر نکرده‌اند؛ اما درباره تاریخ وفات او به وضوح اتفاق نظر است و بیشتر تذکرها فوت او را سال ۱۲۸۲ ق. بر اثر ابتلا به بیماری وبا دانسته‌اند (فتوحی یزدی، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

۲-۲ آثار

آثار قلمی فدایی به زبان فارسی دیوان/شعار در قالب‌های قصیده، قطعه، مثنوی، غزل و رباعی است.

آثار فدایی به زبان عربی شامل دو اثر است؛ منظومه فی علم النحو (نگارش ۱۲۰۰ قمری) یکی از آن‌هاست که در خلال ۹۲۸ بیت عربی، اصطلاحات علم نحو را به نظم درآورده است؛ این منظومه اوج توانایی او را در نحو نشان می‌دهد. اثر دیگر مستقیظ (نگارش ۱۲۸۰ قمری) با موضوع انتقادی است.

۳- قالب‌ها و موضوعات دیوان

دیوان برجای مانده از فدایی یزدی شامل ۱۰۰۰ غزل، ۱۷ قصیده، ۸۶ قطعه، ۵۰۰ رباعی و ۴ مثنوی است که در این میان بیشتر به سرودن غزل تمایل داشته است؛ به طوری که سیمای واقعی او را باید در غزل جست‌وجو کرد. بیشتر غزل‌های وی هفت‌بیتی و برون‌گرا و عاشقانه با محور اصلی «عشق» است. عشق نزد او به هر صورتی که باشد، مایه کمال انسانی است. فدایی غزل را به سبک عراقی می‌سراید. قصاید او نسبتاً طولانی و گاهی دارای دو مطلع است. بیشتر قصاید او مقتضب است؛ اما در قصایدی که تغزل دارد به مضامینی مانند وصف معشوق، ایام جوانی، بهار و شکایت از روزگار پرداخته است. تقریباً همه قصاید شریطه دارند. فدایی در قالب قطعه بیشتر از آنکه به پند و اندرز پردازد آن را برای سرودن ماده تاریخ انتخاب کرده است که این مهارت ارزش والایی به دیوان او بخشیده است. رباعیات او عاشقانه است و پیوسته از فراق و گله از معشوق سخن می‌گوید؛ اما گاهی

یادآور رباعیات خیام است. شاعر در اندک مثنوی‌ای که سروده، آمرزش گناه و محروم‌نشدن از زیارت چهارده‌معصوم را تقاضا کرده است.

۴- معرفی نسخه

دیوان میرزا سید یحیی مدرّس متخلّص به فدایی یزدی شامل شش نسخه با مشخصات زیر است:

- نسخه خطی موجود در کتابخانه وزیری یزد به شماره ثبت ۳۶۸۹ (شیروانی، ۱۳۵۰، ج ۵: ۱۷۵۰).

- نسخ خطی موجود در کتابخانه وزیری یزد به شماره‌های ثبت ۷۴۸، ۴۱۱۷، ۳۸۴۰ در فنخا (درایتی، ۱۳۹۱، ج ۱۵: ۶۵۸) و دنا (همان، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۰۹).

- نسخه خطی موجود در کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ثبت ۵۹۶۲ (حسینی، ۱۳۶۷: ۳۴۲).

- نسخه موجود در کتابخانه شخصی سید یحیی مدرّسی وامق که به خط خود شاعر نوشته شده است.

۴-۱ نسخه موجود در کتابخانه وزیری یزد

۴-۱-۱ نخستین نسخه وزیری، نسخه شماره ۳۶۸۹ با علامت اختصاری «وزا» که ۵۳ برگ دارد و قطع کتاب معمولی با جلد مقوایی روکش و عطف گالینگور تریاکی است. هر صفحه، ۱۴ الی ۱۶ سطر و بر روی هم ۱۴۹۶ بیت دارد. این نسخه طبق ترقیمه کتاب به قلم کاتب برجسته، حاج سید علی محمد علاقه‌بند به خط بسیار زیبای نستعلیق در سال ۱۳۹۰ قمری به نگارش درآمده است؛ نسخه رکابه ندارد و شماره در بالای صفحه درج شده است. دیوان بدون مقدمه است و از هرگونه آرایشی مبراست. این نسخه به ترتیب شامل ۱۷ قصیده بدون ترتیب الفبایی (۲-۴۴) است؛ ۸۴ قطعه دارد که ۲۱ قطعه آن دوبیتی است (۴۵-۸۸)؛ نیز

۴ مثنوی (۸۹-۹۶)، ۱۱ غزل (۹۷-۱۰۲) و ۲۴ رباعی (۱۰۳-۱۰۵) دارد. در قالب قطعه، ترتیب الفبایی رعایت شده است. از میان قصاید تنها در صفحه هشت، یک قصیده کامل نیست و فقط تغزل را در بر دارد. در این نسخه قالب شعری قطعه از همه بیشتر است.

ویژگی‌های رسم الخطی این نسخه عبارت است از:

- حرف «ت» در انتهای کلمات عربی در بیشتر جاها به صورت «تای» گرد کتابت شده است:

حیوة نیست مرا تا مرا حیوة بود اگر حیوة نباشد مرا حیوة بود
(فدایی یزدی، ۱۲۶۶: ۱۰۵)

- نقطه بیشتر حروف در برخی موارد محذوف است که این نشان از بی دقتی کاتب یا رعایت زیبانویسی بوده است:

ای به نزهت خوابگاهت رشک گلزار جهان خاک نای (پای) زایرانت کحل عین حور عین
(همان: ۲۴)

- کتابت حرف «آ» بدون علامت مد و گاهی با مد به کار رفته است:

اینکه گفتم نصّ قران است و در روز غدیر جبرئیل آورد از حق بر پیمبر این پیام
(همان: ۲۱)

- استفاده از مصوت بلند «او» به جای «اُ»:

ز وصل خویش خورسندم (خرسندم) بین خندان لب از آن لب شکرخندم بین
(همان: ۱۰۵)

- آوردن همزه با خط زیر آن «ء» به جای «ای» در کلمات مختوم به «ه» بیان حرکت:

آنچنان هنگامه برپا شود کز بیم آن اردوان گردد دوان مانند پور آبتین
(همان: ۲۵)

در این نسخه برخلاف نسخه‌های دیگر به‌ندرت «گ» را با «ک» نگارش کرده است. ۲-۱-۴ دومین نسخه وزیر، نسخه شماره ۴۱۱۷ با علامت اختصاری «وز ۳» مشخص شده که ۶۱ برگ در قطع جیبی کوچک به خط نستعلیق نوشته شده است. نسخه رکابه دارد؛ اما بدون ترقیمه است؛ بنابراین تاریخ کتابت و کاتب آن مشخص نیست. این نسخه دارای ۱۴۱۲ بیت شعر در قالب ۱۰ قصیده (۱-۳۷)، ۲۸ قطعه به ترتیب الفبایی (۳۸-۶۰) است که دو قطعه ناقص است. قطعه صفحه ۵۲ چند بیت پایانی و قطعه صفحه ۵۳ چند بیت آغازین ندارد؛ نیز ۷۷ غزل (۶۱-۱۲۲) دارد. نسخه بدون هیچ مقدمه‌ای شروع شده است و با توجه به نخستین بیت اولین قصیده که مردّف نیست و نیز با توجه به نسخه ۳۶۸۹، می‌توان تشخیص داد که نه بیت اول آن کتابت نشده است و افتادگی دارد.

ویژگی رسم‌الخطی این نسخه، با اندک تفاوتی، مثل نسخه ۳۶۸۹ است.

- گذاشتن مد در جایی که لازم نیست:

با کرم‌های تو سائل نیست محتاج سؤال بی سؤال آری بود بخشندگی دأب کرام
(همان: ۳۱)

۳-۱-۴ سومین نسخه وزیر، نسخه شماره ۳۸۴۰ با علامت اختصاری «وز ۴» شامل ۲۷۵۳ بیت شعر و ۱۵۷ برگ که تنها دربرگیرنده ۳۸۵ غزل است. کتابت آن به خط نستعلیق تحریری است؛ رکابه دارد و از این جهت می‌توان پی‌برد که صفحات پایانی افتادگی دارد و به سبب نداشتن ترقیمه، نام کاتب و تاریخ کتابت مشخص نیست. نسخه در قطع جیبی و بدون کادربندی است. جلد آن مقوایی با تیماج سبز عطف زرد و کاغذ آن اصفهانی است.

ویژگی‌های رسم‌الخطی خاص این نسخه

- حذف واو معدوله در برخی از کلمات:

گر بوالهوسان ما را خوانند چو خود شاید در کوی تو می‌آرد مردم هوس ما را
(همان: ۲۰)

- آوردن «ز» به جای «ذ»:

گفتی ز سر جان بگذر در ره عشقم این حرف دگر از تو پزیرفتم و رفتم
(همان: ۱۱۹)

- آوردن «دو چار» به جای «دچار» و اتصال «به» به کلمه:

در آرزوی جمال لیلی دوم چو مجنون بکوه و صحرا

بجستجویش روم بهر جا مگر براهی شود دوچارم
(همان: ۱۳۷)

۴-۱-۴ چهارمین نسخه وزیری، نسخه شماره ۷۴۸ با علامت اختصاری «وز ۲» است. طبق ترقیمه، حاج سید علی علاقه‌بند آن را در ۲۶ صفر ۱۳۸۰ ق. به خط نسخ بر روی کاغذ سفید فرنگی به رنگ شکری در ۲۳۷ برگ به نگارش درآورده است. جلد کتاب، مقوایی با تیماج قرمز در قطع معمولی رقی است. صفحه پشت جلد بیاض، این برگ در وصالی جدید افزوده شده است و نسخه بدون هیچ مقدمه‌ای با «بسم الله الرحمن الرحیم» آغاز می‌شود. کاتب در نگارش متن یک‌دست عمل نمی‌کند؛ گاه خط، درشت و پررنگ مثل صفحات ۳ و ۴، و گاه ریز مثل بخش رباعیات است. نسخه بدون رکابه و بالای صفحات شماره‌گذاری شده است. این نسخه دربردارنده ۷۱۶ غزل (۲-۴۰۱) است که به ترتیب الفبایی بدون هیچ فاصله‌ای پشت سر هم آمده‌اند؛ در جایی که خیلی به هم نزدیک شده‌اند، کاتب غزل‌ها را با خط تیره از هم جدا کرده است. صفحه ۵ و ۶ افتادگی دارد و از صفحه ۴۰۲ تعداد ۴۷۲ رباعی با عنوان کتاب رباعیات به ترتیب حروف الفبا شروع شده و تا صفحه ۴۵۸ ادامه دارد و در مجموع ۶۶۴۱ بیت است.

ویژگی‌های رسم الخطی برجسته این نسخه

- در این نسخه برخلاف نسخه‌های دیگر «به» جدا از کلمه آمده است؛ به‌جز در موارد نادر که چسبیدن «به» به کلمه بعد موجب اشتباه در خوانش می‌شود:

ندیده روی تو دادیم جان و خرسندیم بین که تا بچه حد است مهربانی ما
(فدایی یزدی، ۱۲۶۶: ۱۶)

- حذف «ه» در آخر کلمه و آوردن «ء» روی حرف قبل از آن:

پند واعظ نشوم وز دین و ایمان بگذرم تا ک بنماید اگر یکشب جمال دخترم
(همان: ۲۹۱)

- آوردن «همزه» اضافی:

چه می‌شود که برانی رقیب را از برم مرا بخوانی و بنشانیم به جای رقیب
(همان: ۱۰۰)

- جمع بستن (آوردن «ی» به جای «ه»):

منکه عمری بجفایای تو خو کرده دلم چون فدایی نکنم شکوه عبث خوی ترا
(همان: ۳۳)

- آوردن «ی» زاید در آخر کلمه:

اگرم ز جور سوزی دگر از وفا نوازی ز تو شکوه‌ای ندارم که تو اختیاری داری
(همان: ۳۶۹)

۲-۴ نسخه محفوظ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم؛ نسخه شماره ۵۹۶۲ با علامت اختصاری «مر» شامل ۲۶۴ برگ و در هر صفحه ۱۵ سطر به خط نستعلیق و با مرکب سیاه در چهارم محرم ۱۲۶۶ استنساخ شده است؛ ولی نام کاتب در پایان نیامده است. این دست‌نویس با جلد تیماج قهوه‌ای و کاغذ فرنگی نخودی‌رنگ دارای صفحات مُجَدُّول ضربی به شنگرف و لاجورد است که برای تزئینات متن از کمند به رنگ قرمز و دو جدول استفاده شده است؛ جدول دور سطرها از داخل به بیرون دو خط قرمز و یک خط آبی فیروزه‌ای‌رنگ دارد و میان مصراع‌ها دو جدول به رنگ قرمز آمده است. نسخه رکابه دارد که بعدها برای سهولت در بالای صفحه شماره‌گذاری شده است. در مجموع ۲۳۷۴ بیت دارد:

۱۰۰۰ غزل (۲-۴۴۳)، ۵۰۰ رباعی (۴۴۴-۵۲۷). برگه‌های نخست آسیب دیده و تا صفحه ۱۵ وصالی شده و از ۱۶ به بعد کامل است. گاهی به ندرت در حاشیه کتاب، اشعاری نوشته شده است؛ مثل صفحات ۲۰، ۲۳، ۱۸۱ و گاه در حاشیه غزلی آورده شده است که برای خواندن آن باید از پایین به بالا اقدام شود؛ مثل صفحه ۱۵۴. تعداد ابیات غزل‌ها پنج‌بیتی و هفت‌بیتی است و چند غزل پانزده‌بیتی دارد که در این میان غزل هفت بیشتر است و غزل دوازده و سیزده‌بیتی ندارد. در همه غزل‌ها به جز یک یا دو غزل، شاعر تخلص فدایی را قید کرده و بعد از قالب غزل، رباعیات آمده است.

آغاز نسخه:

جز وصلت از دعا نبود مدعای ما دردا که نیست هیچ اثر در دعای ما
(همان: ۲)

انجام نسخه:

اظهار عنایت نهانی با او از کشف و صفا دعوی ضدی کرده
(همان: ۵۲۷)

این نسخه به دلایلی برای دو قالب غزل و رباعی در جایگاه نسخه اساس انتخاب شده است؛ از جمله دلایل، مشخص بودن کاتب و نظارت پدر شاعر (وامق) برای کتابت آن و خوش خط بودن آن است و اینکه تقریباً همه اشعار قالب غزل و رباعی را شامل می‌شود.

برخی از ویژگی‌های رسم الخطی نسخه

- حذف نقطه در بیشتر کلمات؛ همان‌طور که در نسخه ۳۶۸۹ هم آمده است:

بر من ای نا آشنا یکره نظر کن تا به کی آشنا غمگین بود بیگانه ساد (شاد) از چشم تو
(مر، غ: ۳)

- حذف «ی» در آخر کلمه:

ای که در قید سر زلف چلیپا (چلیپای) توأم روز و شب در هوس لعل شکرخای توأم
(مر، غ: ۷۵)

- آوردن کلمه «خواموش» به جای «خاموش»:

از وعده وصلی مرا ای سنگدل خواموش (خاموش) کن

کآورد خلقی را به جان تأثیر آه و زاری ام

(صفحه ۳۵۳)

۳-۴ نسخه نویافته دیوان فدایی یزدی محفوظ در کتابخانه شخصی سید یحیی

مدرسی وامق؛ با علامت اختصاری «شخ» به خط بسیار زیبای نستعلیق شکسته که خود شاعر کتابت کرده است. این نسخه شامل ۱۲۹ برگ و بدون مقدمه است؛ در هر صفحه به طور متوسط ۱۲ الی ۱۴ بیت جای گرفته است. جلد کتاب پوست چرمی قهوه ای تیره در اندازه ۱۴/۵ × ۲۱ سانتیمتر و نوع کاغذ آن آهارمهره است. نسخه رکابه دارد و از روی رکابه صفحه آخر می توان پی برد که افتادگی دارد. بدون ترقیمه است و تاریخ کتابت آن مشخص نیست. این نسخه حاوی ۱۷ قصیده بدون رعایت ترتیب الفبایی (۱-۴۶)، ۳۳۲ غزل (۴۷-۱۹۶)، ۸۶ قطعه (۱۹۷-۲۴۴) به ترتیب الفبایی است که تعداد قطعات از دو نسخه دیگر بیشتر است. سه مثنوی (۲۴۵-۲۵۰) دارد که لابه لای آن، دو غزل و یک تکبیت آمده است. ۲۲۶ رباعی (۲۵۱-۲۸۴) و تعداد ۱۱ غزل به صورت الحاقی در پایان نسخه آورده شده است. این نسخه برای سه قالب قصیده و قطعه و مثنوی، نسخه اساس انتخاب شده است. به این علت که به خط خود شاعر کتاب شده و این سه قالب را تمام و کمال داراست. شاعر در حاشیه غزل ها گاه به صورت عادی و گاه مورب ابیاتی نوشته که بر زیبایی صفحه افزوده است؛ مثل صفحات ۴۹، ۵۰، ۶۸، ۷۰ و

در صفحه ۱۷۶ و ۵۶ غزلی بدون نقطه نوشته شده است و در برخی جاها مثل صفحه ۳۸، بعضی ابیات نوشته شده، خط زده شده و به جای آن در حاشیه ابیاتی آورده شده است. در حاشیه صفحه ۲۷۳ یک رباعی بدون نقطه آمده است.

ویژگی های رسم الخطی برجسته این نسخه

- در این نسخه چنان که معمول کاتبان این دوره است، حرف «گ» با یک سر کج به صورت «ک» نوشته شده است و این ویژگی برجسته نسخه است:
ندارم خاطر خوش کر (گر) چه جا در گلستان (گلستان) دارم.
که چشمی بر کل (گل) و چشم دگر (دگر) بر باغبان دارم (فدایی یزدی، ۱۲۶۶: ۱۴۳).
- افتادن حرف در کتابت مثل افتادن «ر» در واژه «مبارک باد»:

به زیر تیغ افغان نیست آئین بسمل ما را

تقبیل ما مبارک باد (مبارک باد) گوید قاتل ما را

(همان: ۷۴)

- برخلاف نسخه های دیگر که علامت مد بر روی کلمات حذف شده است، در این نسخه به ندرت حذف مد را می بینیم:
به خلق حکمت جاری بود چو اب (آب) روان

که بر اناث و ذکور و چه بر صغیر و کبیر

(همان: ۱۷)

۵- ویژگی های سبکی

- به استناد تذکره نویسان، فدایی یزدی به علوم ادبی، عربی و معماگویی تسلط داشته است؛ اما به یقین از بزرگان علم و ادب فارسی در همه سطوح زبانی، ادبی و فکری متأثر است.

۱-۵ سطح زبانی

۱-۱-۵ سطح آوایی

۱-۱-۱-۵ وزن

- موسیقی بیرونی شعر فدایی بیشتر اوزان عروضی رایج را در بر می گیرد و محدود اشکالات عروضی متوجه اوست؛ زیرا این گونه مشکلات در حین کتابت رخ می دهد و سهم

کاتب را نیز باید در نظر گرفت. در این میان پرکاربردترین وزن در قصیده، بحر مجتث مثنیٰ مخبون محذوف (مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن فاعلان)، در قطعه، بحر خفیف مخبون مقصور (فاعلاتن مفاعلاتن فع لان) و در مثنوی، دو بحر متقارب مثنیٰ محذوف (فعولن فعولن فعولن فعل) و بحر رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلان)، در غزل، بحر رمل مثنیٰ محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان) و دیگر بحر مجتث مثنیٰ مخبون محذوف (مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن فعولن) و کم کاربردترین آن، بحر مقتصب مثنیٰ مطوی مقطوع (فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن) است.

در سه غزل فدایی با مطلع زیر با اوزانی روبه‌رو می‌شویم که تنها یک بار به کار رفته است.
 از کرم بیا بین مبتلای خویش را در دو دیده خالی‌ام بین تو جای خویش را
 (همان: ۵۴)

فاعلاتن مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن
 تا بم ز دل ربود آن زلف پرتاب خوابم ز چشم برد آن چشم نیم‌خواب
 (همان: ۱۰۸)

مفعول فاعلن مفعول فاعلن
 به درگه پیر مغان که می‌شود رهبر ما که دل پر از خون شده و تهی ز می ساغر ما
 (همان: ۹۱)

مفتعلن مفاعلاتن مفتعلن مفاعلاتن

۲-۱-۱-۵ ردیف و قافیه

در اشعار فدایی با کمتر قالب شعری روبه‌رو می‌شویم که از داشتن ردیف بی‌بهره باشد. او در کاربرد ردیف تسلط کامل دارد؛ مثلاً در حرف دال ۲۱ بار ردیف «دارد» را با قافیه‌های مختلف تکرار کرده است و به شیوه سبک عراقی التزام ردیف‌های اسمی دشوار عربی و فارسی مثل دوست، مشتاق، عشق، صنم، زلف، کاغذ و... را آورده است و این‌گونه هنر خود را به مخاطب شعر عرضه می‌کند.

انواع ردیف

- ردیف فعلی

به راه عشق کار ما و دل بس مشکل افتاد که دل را کار با دلدار و ما را با دل افتاد
(فدایی یزدی، ۱۳۶۶: ۳۹۷)

- ردیف اسمی

عاشق نکرده ناله و افغان ز درد عشق ای بوالهوس برو که نباشی تو مرد عشق
(همان: ۲۸۹)

- ردیف حرفی

به جواب من چو فرمان تو نمی‌دهی زبان را ز چه عرضه دارم ای مه به تو قصه نهران را
(همان: ۶۲)

- ردیف ضمیر

مردم از بی‌وفایی‌ها مرا جانان من بر سر بالین نیاید تا برآمد جان من
(همان: ۳۵۷)

- ردیف جمله‌ای

گرچه ما را صبر بسیار است گویی نیست هست
زیستن بی دوست دشوار است گویی نیست هست
(همان: ۱۵۴)

۲-۱-۵ سطح لغوی و نحوی

۱-۲-۱-۵ استفاده از لغات عربی

کاربرد تعداد واژگان و ترکیبات عربی نسبتاً نادر که شاعر استفاده کرده، بیانگر آشنایی او با زبان عربی است. گاه شاعر برای قافیه همه ابیات یک قصیده، از کلمات عربی مثل جَلّاح، استرواح، استقباح و... بهره برده است.

ای وصیّ و وصیّ بالاستقلال وی سمیّ نبیّ بالاستحقاق
(همان: ۳۶)

۲-۲-۱-۵ جمع بستن صفت

جز من که رخ از جفا نتابم در راه تو گشته تند و تیزان
(همان: ۳۶۵)

۳-۲-۱-۵ کاربرد سخت به جای بسیار

مرا ز غم کشد امروز و سخت می ترسم که شاد نیز به روز قیامت نکند
(همان: ۱۸۹)

۴-۲-۱-۵ استفاده از «ک» تصغیر در کلمات

نیست حاجت به کسم کاو خواند شیخکی رنسک قلّاش مرا
(همان: ۳۶)

۵-۲-۱-۵ کاربرد لغات قدیمی

جانب گلشن ز کویش گر روی ای مرغ دل آشیان خود ز گلشن سوی گلخن می‌بری
(همان: ۴۱۰)

۶-۲-۱-۵ ترکیب‌سازی در مفهوم حاصل مصدر

رشک گلچین به دلم این همه آزار نکرد هرزه نالیّ توای مرغ چمن کُشت مرا
(همان: ۸۸)

۷-۲-۱-۵ کاربرد «یک ره» به جای «یک بار»

از حال دردمندان یک ره پیرس یعنی از پرسش قیامت اندیشه کن خدا را
(همان: ۶۱)

۸-۲-۱-۵ کاربرد انواع «را»

گفتنی است در این میان «را قسم و را فک اضافه» بسامد بالایی دارد.

• را قسم

نکردند بهر تو ایجاد خلقی میازار خلق خدا را خدا را

(همان: ۵۲)

• را فک اضافه

بیرند رشک بر ما همه طایران گلشن که خدنگی از کمان تو به پر نشست ما را

(همان: ۶۰)

۹-۲-۱-۵ کاربرد فعل «سوزد» در معنی متعدی

زیاد ای دل مکن هرگز شکایت گر تو را سوزد بین آخر که سوزد شمع هم پروانه خود را

(همان: ۴۵)

۱۰-۲-۱-۵ کاربرد فعل «می باید» در معنی «لازم است»

بوسه ای ز آن لعل شکر بار می باید مرا چاره ای در دل بیمار می باید مرا

(همان: ۸۱)

۱۱-۲-۱-۵ کاربرد فعل «گرفتم» در معنی «فرض کردم»

گرفتم اینکه رفتم از پی رعنا سمند او فدایی من که نتوانم به دست آرم عنانش را

(همان: ۶۳)

۱۲-۲-۱-۵ کاربرد «گردید» در معنی «شد»

مسخر خواهدت گردید یک سر کشور دلها چه خاصیت که در تعویذ بازوی تو می بینم

(همان: ۳۰۹)

۱۳-۲-۱-۵ کاربرد «شد» در معنی «رفت»

بیا که عشق چنان غیرتی به من داده است که گر ز درد بمیرم پی دوا نشوم

(همان: ۳۰۸)

۱۴-۲-۱-۵ به کارگرفتن «وجه مصدری» بسیار در ابیات

توان گفتم ولیکن ز دل این ناله زار همه از دست تو پیمان گسل آید بیرون
(همان: ۳۶۴)

۱۵-۲-۱-۵ کاربرد فعل پیشوندی

آرزو دارم که آن مه یک شبم از در درآید کز در من گر درآید آرزوی من برآید
(همان: ۱۸۱)

۱۶-۲-۱-۵ فاصله افتادن بین جزء صرفی و غیر صرفی

چه شد که پرسش آن سروقامتم نکند ز کوی خویش چو منع اقامتم نکند
(همان: ۱۸۹)

۱۷-۲-۱-۵ کاربرد تاریخی «می شاید» به جای ماضی نقلی «شایسته است»

ز سیر نرگس باغ ار بیندم چشم می شاید نبیند سوی نرگس هر که دید آن چشم شهلا را
(همان: ۵۸)

۱۸-۲-۱-۵ استفاده از «ی» استمراری در آخر فعل

عاشقان از همه کس وصف تو شنیدندی چون بدیدند تو را بهتر از آن دیدندی
(همان: ۴۲۳)

۱۹-۲-۱-۵ منفی کردن افعال به شیوه «نه... فعل»

جز طره سیه که نقاب رخ تو شد کس را نه آگهی است ز روز سیاه ما
(همان: ۸۲)

۲۰-۲-۱-۵ آوردن نه در آغاز برای تأکید

نه دل بماند و نه هوش و نه خرد کس را به عاشقان اگر این گونه ترکناز کنی
(همان: ۴۲۳)

۵-۱-۲-۲۱ به کاربردن واژه «ظلم» در معنی ظالم

دل رحیم تو شد شخص ظلم را مَناع کف جواد تو شد بحر جود را مَلّاح
(همان: ۹)

۵-۱-۲-۲۲ کاربرد فعل نیشابوری

از آن گیسو پریشانیم ناصح نیست امروزی کز آن پیوسته بودستم پریشان تا که بودستم
(همان: ۳۰۸)

۵-۲-۲ سطح ادبی

صنایع بدیعی لفظی و معنوی در دیوان برجای مانده از فدایی یزدی، طیفی گسترده دارد و در کاربرد آنها آرایه‌های تکرار، تجاهل‌العارف، تلمیح و لفونشر فراوانی بسیاری یافته است. همچنین در کاربرد انواع آرایه‌های بیانی به‌ویژه تشبیه حسی به حسی مثل زلف معشوق به کمند، خال به نقطه جیم و قد به سرو، مهارت خاصی داشته است. در ادامه به برخی از این آرایه‌ها اشاره می‌شود.

۵-۲-۱ بدیع لفظی

۵-۱-۲-۱ رد الصّدر علی العجز (تصدیر)

زلف جادویت ز جادویی سر از دستم کشید کاش تعویذی به دستم بود در تسخیر زلف
(همان: ۲۸۶)

۵-۲-۱-۱ طرد و عکس

می‌رسد بر لب مرا جان تا به جانان می‌رسم تا به جانان می‌رسم بر لب مرا جان می‌رسد
(همان: ۱۹۴)

۵-۱-۲-۳ تکرار

نازینی تو و ناز تو از تو بود زبینه ناز کن ناز که ناز تو فزاید به نیاز
(همان: ۲۶۷)

۴-۱-۲-۵ تضمین‌المزدوج

می‌توان گفت منم عاشق صادق به جهان
زانکه بر منظر او تاب نظر نیست مرا
(همان: ۸۰)

۵-۱-۲-۵ انواع جناس

• جناس تام ممال

دهن تنگ تو از تنگ شکر بس ما را
لب شیرین تو از شیر جان ما را بس
(همان: ۲۷۱)

• جناس تام مستوفی

گر روان در بوستان سرو روان من شود
سرو بوستان از پی او چون روان من شود
(همان: ۲۵۰)

• جناس لفظ

به گلستان نروم بی تو که در دیده من
بی گل روی تو گل خوار نماید چون خار
(همان: ۲۶۳)

• جناب مرکب مرفو

بر دلم هرچند بیداد و ستم از دلبر آید
نیست این ممکن که مهر دلبر از دل برآید
(همان: ۱۸۱)

۶-۱-۲-۵ تلمیع

ز هجرت هر شب ای صبح سعادت
بَكَيْتُ مِنَ الْعِشَاءِ إِلَى الْغَدَاةِ
(همان: ۴۲۳)

ترجمه: از شب تا صبح گریه کردم.

۲-۲-۵ بدیع معنوی

۱-۲-۲-۵ رجوع

غلط گفتم نمی آید پرستاری ز بیماران
(همان: ۳۶۷)

بگو گو شد دو چشمت در پرستاری بیمارش

۲-۲-۲-۵ تجاهل العارف

یا که رخسار چو ماهت شد نهان در زیر زلف
(همان: ۲۸۶)

گشت ماه آسمان امشب نهان در زیر ابر

۳-۲-۲-۵ ذم شبیه به مدح

هیچ عیبش نتوان گفت مگر اینکه دوروست
(همان: ۱۶۱)

گلرخ سرو قد من که سراپای نکوست

۴-۲-۲-۵ حسن تعلیل

که دید جلوه‌کنان قامت بلند تو را
(همان: ۴۵)

عجب نباشد اگر سرو پای در گل ماند

۵-۲-۲-۵ پارادوکس

کاش به دستم فتد تاری از آن تارها
(همان: ۲۰)

مایه جمعیت است زلف پریشان تو

۶-۲-۲-۵ جمع و تقسیم

این نعره‌زنان آمد و آن جامه‌درانش
(همان: ۲۷۴)

حسن گل من بین که گل و ببل گلشن

۷-۲-۲-۵ ارسال المثلین

نظیر بصره و خرما شبیه زیره و کرمان
(همان: ۲۷)

ولی دامنم که باشد شعر من نسبت به ذات تو

۸-۲-۲-۵ ایهام

سوی من بین که به حسرت نگرانم سوخت تا به کی دیده به هر سو نگران است تو را
(همان: ۷۰)

۹-۲-۲-۵ لفونشر

در دیوان فدایی یزدی، کاربرد آرایه لفونشر بسامد بالایی دارد و در این میان کاربرد
خال و زلف، به دانه و دام بسیار دیده می‌شود.
مرغ دل زار را دام و چه و دانه چیست حلقه گیسوی یار خال زنخندان دوست
(همان: ۱۲۳)

۱۰-۲-۲-۵ اقتباس

ای رحیم ای کریم ای غفار وَ قِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ
(همان: ۲۵۰)

مصراع دوم، بخشی از آیه ۲۰۱ سوره بقره است: «و مِنْهُمْ مَّنْ یَقُولُ رَبَّنَا إِنَّا فِی الدُّنْیَا
حَسَنَةٌ وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

ترجمه: و بعضی دیگر گویند خدایا ما را از نعمت‌های دنیا و آخرت، هر دو بهره‌مند
گردان و از عذاب آتش دورخ نگاه دار.

۱۱-۲-۲-۵ تلمیح

فدایی یزدی با به کارگیری شخصیت‌های مذهبی (یوسف، یعقوب، سلیمان، موسی،
عیسی، نوح)، عرفانی (شیخ صنعان، حسین بن منصور حلاج)، اساطیری (اسکندر و آب بقا،
خضر) و داستان‌های عاشقانه (لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، محمود و ایاز، وامق و عذرا،
یوسف و زلیخا)، آرایه تلمیح را به زیباترین شکل ممکن به کار برده است. کاربرد این آرایه
در دیوان فدایی، بسامد بالایی دارد. وجود تلمیحات بسیار در دیوان، نشان‌دهنده گستره
آگاهی شاعر و تنوع مضامین اشعار او نیز هست.

• تلمیح داستانی

اشک حسرت رود از دیده به بیت‌ال‌حزرم که ز یعقوب خبر نیست مه کنعان را
(فدایی یزدی، ۱۲۶۶: ۱۰)

• تلمیح قرآنی

این جهان باشد مرا از آنما آن جهان ساقی حوض کوثر است
(همان: ۴۱)

مصراع اول تلمیح به آیه «أَمَا وَلِيكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵) دارد: سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

۳-۲-۵ حوزه بیان

فدایی یزدی در بیان حالات شاعرانه و مضمون‌پردازی از صور خیال بهره جسته است. از جمله آرایه پربسامد در دیوان او، تشبیه است. وی تقریباً از انواع تشبیه به‌ویژه تشبیه مضمّر و تفضیل در اشعار خود بهره برده است. در بیشتر تشبیهات، هر دو طرف تشبیه حسی هستند.

۱-۳-۲-۵ تشبیه

بزم تو همچو گلستان و تو در وی چو گل

کوی تو همچو بهشت است و تو در وی چون حور

(فدایی یزدی، ۱۲۶۶: ۲۶۵)

۱-۱-۳-۲-۵ تشبیه بلیغ

در مملکت عشق چون من مسکین در کشور خوبی چو تو شاهی نه و هرگز

(همان: ۲۶۷)

۲-۱-۳-۲-۵ تشبیه مرکب

همچو ابری که مه چارده پنهان شود از وی
زلف پوشیده ز ما عارض جانانه ما را
(همان: ۲۱)

۳-۱-۳-۲-۵ تشبیه مفروق

عارضش تابنده ماه نخشب است
قامتش زینده سرو کشر است
(همان: ۳۹)

۴-۱-۳-۲-۵ تشبیه مضمّر

گر فی‌المثل گردی روان سروی به رفتار آمده
ور زآنکه بگشایی دهان ماهی به گفتار آمده
(همان: ۳۲)

۵-۱-۳-۲-۵ تشبیه تفضیل

ماه گردون قرین توست ولیکن
ماه گیسوی مشکبار ندارد
(همان: ۲۱۳)

۶-۱-۳-۲-۵ تشبیه مضمّر و تفضیل

روی منورت گرو از آفتاب بُرد
زلف معنبرت سبق از مشک ناب برد
(همان: ۱۶۸)

۷-۱-۳-۲-۵ تشبیه ملفوف

روی و زلف و چشم آن زیباصنم
چون گل و چون سنبل و چون عبهر است

۲-۳-۲-۵ استعاره

۱-۲-۳-۲-۵ استعاره مصرّحه

ای سرو گلرخسار من، ماه شکرگفتار من
معشوق شیرین کار من کار از تو دشوار آمده
(همان: ۳۲)

۲-۲-۳-۲-۵ استعاره مکنیه

بر فلک گو نماید رخ خود ماه امشب
که هلال ابروی من روی چو ماه است او را
(همان: ۱۳)

۳-۲-۳-۲-۵ تشخیص

کرده بلبَل قصد بیرون رفتن و گوید به باغ
بیشتر نتوان شنیدن ناله و غوغای زاغ
(همان: ۲۸۶)

کاربرد هم‌زمان تشبیه و استعاره در یک بیت، بسامد بسیار بالایی دارد.

رخسار خوب ساز نهان در نقاب زلف
باشد حذر ز چشم بد روزگار فرض
(همان: ۲۸۳)

هرکس چو من قدم زد در وادی محبت
در هر قدم دو صد خار در پای دل نشست
(همان: ۲۷۳)

۳-۳-۲-۵ مجاز

فدایی از این آرایه بسیار در شعر خود استفاده کرده؛ او به‌طور مکرر واژه خون را با
علاقه لازمی در معنی مجازی به کار برده است:
بود گواه دو چشمت به خون ناحق من
به روز حشر نخواهم دگر گواهی را
(همان: ۷۹)

۴-۳-۲-۵ کنایه

فدایی در کاربرد آرایه کنایه از نوع ایماء مهارت داشته و هر جا لازم دانسته است، ذهن
مخاطب را از معنی نزدیک، به معنی دور منتقل کرده است.
نهاده سر به کف، آنگاه پا به راه تو بنگر
خلاف اهل هوس عاشقان بی سر و پا را
(همان: ۲۰)

۳-۵ سطح فکری

از آنجاکه شاعران دوره بازگشت از نظر فکری به سبک‌های دوره‌های قبل نظر داشتند، بازگشت به سبک عراقی و تقلید از حافظ و سعدی در اشعار فدایی یزدی به وضوح دیده می‌شود. مضامین اشعار فدایی را در چهار زمینه می‌توان بررسی کرد.

۱-۳-۵ مضامین مذهبی

در بیشتر قالب‌های شعری دیوان فدایی یزدی، شعر مذهبی — که از دیرباز شاعران مسلمان ایرانی به آن توجه داشتند — آشکارا دیده می‌شود؛ به طوری که موضوع اصلی قصایدش ستایش پروردگار، مدح پیامبر (ص)، صاحب‌الزمان (عج) و بیش از همه امیرالمؤمنان علی (ع) است. وی در مثنوی صفحه ۲۴۸، بعد از حمد پروردگار به مدح دوازده امام پرداخته و آنها را شافع خود قرار داده است تا از زیارت چهارده معصوم محروم نشود. گاهی بیت پایانی یک غزل را با نام صاحب عصر (عج) یا حضرت علی (ع) به پایان می‌رساند و خود را دوستدار هشت و چهار معرفی می‌کند.

بکن اندیشه «فدایی» ز گناه دو جهان چون به دل دوستی هشت و چهار است تو را
(همان: ۱۷)

۲-۳-۵ مضامین اخلاقی و تعلیمی

عمده‌ترین مضمون اخلاقی به دست آوردن دل است، نه دل شکستن؛ تاجایی که می‌گوید:
شیخ همی گویدم که توبه شکستی توبه شکستم ولی دلی نشکستم
(همان: ۳۲۷)

شاعر صبر و بی‌صبری را توأم می‌داند و باز در بیشتر موارد صبر را از کف داده است و می‌گوید:

در عشق هر بلا و محنت جز صبر میسر است ما را
(همان: ۶۷)

در جای دیگر صبر را می ستاید:

صبر کن ای دل که اندر راه عشق صد هزاران بار می باید کشید
(همان: ۲۳۷)

۳-۳-۵ مضامین فلسفی و کلامی

مضامینی مثل اندیشه‌های خیامی در غزلیات و به‌ویژه در رباعیات شاعر دیده می‌شود؛ همچنین آوردن اصطلاحاتی مثل ازل، ابد، الست، عدم و... نیز در اشعار او دیده می‌شود.

۱-۳-۳-۵ قضا و قدر

ز الست هرکسی را بود از قضا نصیبی

غم دوست قسمت ای دل شده، از الست ما را

(همان: ۶۰)

۲-۳-۳-۵ باده‌پرستی و باده‌نوشی

نیست جز عاشقی و باده‌پرستی کارم دگر از کار من ای زاهد بیکار مپرس
(همان: ۲۶۹)

دفع غم تازه‌ات غیر می کهنه نیست رهن می ناب کن سبجه و سجاده را
(همان: ۸۰)

۳-۳-۳-۵ گذر عمر

دردا در آرزوی وصال تو سوختم عمرم تمام صرف تمنای خام شد
(همان: ۱۸۷)

فدایی یزدی در بیشتر رباعیات خود از اندیشه فلسفی خیامی بهره برده است:

اول پی دانستن معلوم شدیم آخر نشناختیم و محروم شدیم
وین طرفه که کس نداند از بهر چه ما موجود شدیم و باز معدوم شدیم
(همان: ۴۹۲)

۵-۳-۴ جبرگرای

به کم و بیش رضا باش و چو ما شو تسلیم ور تو را سر برود سر مکش از حکم حکیم
(همان: ۳۳۷)

۵-۳-۴ مضامین عارفانه

فدایی یزدی در برخی از رباعیات و غزل‌های خود، مانند حافظ، سراسر از زاهد و زهد
ریایی خرده گرفته است. بر محتسب تافته و همنشینی با ریاکاران را نکوهیده است؛ خود را
مرید پیر مغان می‌داند و حرمتش را بر خود واجب می‌شمرد و از سرزنش دیگران نمی‌هراسد.
وی بسیار از کلمات زهد، پیر مغان، سبحة، تسبیح، خرقة، شیخ و... بهره گرفته است.

۵-۳-۴-۱ نکوهش محتسب

غم مخور بهر مکافات بود روز حسابی محتسب گر شکند ساغر و پیمانۀ ما را
(همان: ۴۴)

۵-۳-۴-۲ نکوهش زاهد و شیخ

گر نه زاهد از ریا و زهد خود انکار دارد خود چه کار امشب بگو در خانه خمّار دارد
(همان: ۱۷۴)

تکبر پستی آرد خاک شو زاهد به میخانه چو می‌دانی که فرقی نیست در بالا و پست آنجا
(همان: ۲۷)

۵-۳-۴-۳ نکوهش ریاکاری

وه که شد رسوای خاص و عام در میخوارگی وز ریا زاهد کند انکار میخواری هنوز
(همان: ۲۶۵)

۵-۳-۴-۴ احترام به پیر مغان

چاره درد دل من که ندارد درمان داروی پیر مغان بود و نمی‌دانستم
(همان: ۳۴۶)

۵-۳-۵ مضامین عاشقانه

بن مایه شعر فدایی به‌ویژه در غزل، عشق است و معشوق در نزد او مقام والایی دارد؛ به‌طوری‌که شاعر وطن خود را گلشن کوی معشوق می‌داند. وی اعتقاد دارد که ماه در مقابل زیبایی چهره معشوق شرمنده است. در اوج تواضع خود را مگس و سگ کوی یار می‌نامد که به چشم کشیدن خاک کف پای معشوق و حتی خاک سم سمنند او را توتیا می‌داند. عمرش در فراق و انتظار وصل سپری کرده است؛ اما درد عشق را خوشایند می‌داند. در غزلیاتش شکایت از بی‌وفایی و ستمگری معشوق بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. او مثل سعدی بسیار از رقیب بدگویی کرده است؛ با حضور او در کنار معشوق مخالف است و توانایی دیدن رشک رقیب ندارد و فراق را به وصال ترجیح می‌دهد.

چو دیدم اینکه مرا نیست تاب رشک رقییان فراق را ز وصال تو برگزیدم و رفتم
(همان: ۳۵۱)

در اشعارش آنقدر به عشق بها می‌دهد که گویی وجود او را با عشق و محبت سرشته‌اند؛ تاجایی‌که آن را مذهب خود می‌خواند و می‌گوید:

به عالم هر کسی را مذهبی آمد پسند ای دل معاذالله که غیر از عشق باشد مذهبی ما را
(همان: ۲۵)

در ادامه برخی از ویژگی‌های دیگر بررسی می‌شود.

۵-۳-۵-۱ توصیف جمال معشوق

زلفت کشد به زنجیر ترسا و پارسا را چشم تو کرده نخجیر هم شاه و هم گدا را
(همان: ۳۹)

۵-۳-۵-۲ برتری معشوق

برای سجده‌ای او گر گذارد پا به بتخانه بتان بر خاک می‌افتند همچون بت پرست آنجا
(همان: ۹۱)

۳-۵-۳-۵ بی‌وفایی معشوق

شد سفیدم به رهش دیده کجایی ای باد / چشم را سرمه مگر خاک کف پاش کنم
(همان: ۳۴۲)

۴-۵-۳-۵ تواضع عاشق

از شوق اینکه بوسم پای سگ تو یارا / صد بار بوسه دادم هر جا نهاد پا را
(همان: ۴۲)

۵-۵-۳-۵ سختی راه عشق

از طیبی خواستم درمان درد عشق گفت / می‌بری زین درد جان اما به مردن می‌بری
(همان: ۴۱۰)

۶-۵-۳-۵ غم و اندوه فراق

بر شانه ما کوه کم از گاه نماید / سنگینی هجران شکند شانه ما را
(همان: ۴۸)

۷-۵-۳-۵ گله از بخت

دور افتاده از یار چه سازم چه کنم / بختم این است نباشد گله از یار مرا
(همان: ۵۷)

۸-۵-۳-۵ وفاداری به عهد و پیمان

صد شکر که من عهد و وفا را نشکستم / گر دلبر من عهدشکن شد، شده باشد
(همان: ۲۲۵)

۶- تأثیرپذیری فدایی از شاعران دیگر

تأثیر آثار شاعران پیشین به دو صورت در دیوان فدایی یزدی دیده می‌شود که این تأثیرپذیری در قالب غزل از حافظ و سعدی، بسامد بالایی دارد.

الف) تضمین مصراع یا بیت از شاعری دیگر که گاه به ضرورت شعر، امکان آوردن نام وی ممکن نبوده است.

حافظ:

عارضش را به مثل ماه فلک نتوان گفت نسبت دوست به هر بی سر و پا نتوان کرد
(حافظ، ۱۳۶۳: ۷۲)

فدایی:

چون منی را نتوان خواند فدایی عاشق نسبت دوست به هر بی سر و پا نتوان کرد
(همان: ۲۳۳)

حافظ:

سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی
(حافظ، ۱۳۶۳: ۲۰)

فدایی:

دل ز تنهایی به جان آمد درون سینه‌ام در کنار خویش می خواهد غم جانانه را
(همان: ۲۳)

وحشی بافقی:

دیرست که ما معتکف دیر مغانیم رندیم و خراباتی و فارغ ز جهانیم
(وحشی بافقی، ۱۳۵۵: ۳۳۲)

فدایی:

دیرست که من معتکف دیر مغانم این است که از فتنه دوران به امانم
(فدایی یزدی، ۱۲۶۶: ۳۳۰)

ب) تأثیر مستقیم و غیرمستقیم که گاه محسوس است و گاهی نمی‌توان آن‌ها را تفکیک
کرد و تشخیص داد.

حافظ:

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود
از گوشه‌ای برون آی ای کوکب هدایت
(حافظ، ۱۳۳: ۳۲)

فدایی:

ای کوکب هدایت از دوریات به جانم
راهی به سوی خویشم بنمای بار دیگر
(همان: ۲۶۱)

حافظ:

رازی که بر غیر نگفتیم و نگوییم
با دوست بگوییم که او محرم راز است
(حافظ، ۱۳۳: ۱۲)

فدایی:

رازی که ز اغیار نهفتن نتوانم
دانم که ز بیمت به تو گفتم نتوانم
(همان: ۳۰۲)

سعدی:

زهر از قبل تو نوش دارو
فحش از دهن تو طبیات است
(سعدی، ۱۳۷۹: ۳۳۹)

فدایی:

دشنام تو خوش بود چو بوسه
زهر از تو خوش آیدم چو تریاک
(همان: ۲۹۰)

فدایی غزلی دارد با مطلع زیر که از نظر وزن و قافیه، غزل حافظ را به یاد می‌آورد.

فدایی:

شهید خنجر عشق تو دلفگاران‌اند
اسیر زلف دو تای تو بیقراران‌اند
(همان: ۲۴۴)

حافظ:

غلام نرگس مست تو تاجداران‌اند خراب باده لعل تو هوشیاران‌اند
(حافظ، ۱۳۶۳: ۹۹)

۷- نتیجه‌گیری

از جمله آثار قلمی میرزا سید یحیی مدرس، متخلص به فدایی یزدی، دیوان اشعار اوست. این نسخه ارزشمند که تاکنون ناشناخته مانده و تصحیح کاملی از آن صورت نگرفته، مربوط به دوره قاجاریه است و نزدیک به ۶۰۰۰ بیت دارد که شامل ۱۷ قصیده، ۸۶ قطعه، ۱۰۰۰ غزل، ۵۰۰ رباعی و ۴ مثنوی است. نسخه‌ها از نظر نوع قالب گاه متفاوت و گاه مشترک هستند. غزل قالبی است که در همه نسخه‌ها یافت می‌شود. در این میان تنها در نسخه‌ای به خط خود شاعر، محفوظ در کتابخانه شخصی سید یحیی مدرس و امق، همه قالب‌ها موجود است و در میان سایر نسخه‌ها از نظر دقت و تاحدای کامل بودن برتری درخور توجهی دارد. کاتب نسخه‌ها متفاوت و نوع خط آن نسخ، نستعلیق و نستعلیق تحریری است. نسخه‌ها از هرگونه آرایشی به دور هستند؛ به جز نسخه محفوظ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم که صفحات مجدول به سنگرف و لاجورد و برای تزئینات متن از کمند استفاده شده است. در دیوان فدایی یزدی ویژگی‌های رسم الخطی مشترکی دیده می‌شود؛ از آن جمله است: پیوسته نوشتن پسوندها و پیشوندها؛ گسسته نوشتن «نه» نفی؛ کاربرد «همی» به جای «می»؛ آوردن «ک» به جای «گ»؛ قراردادن «همزه» روی ک و گ در آخر کلمه و

فدایی از شاعران دوره بازگشت است. در آن دوره، شاعران یا از شیوه قصیده‌پردازان سبک خراسانی تقلید می‌کردند و یا به پیروی از غزل‌سرایان، به سبک عراقی شعر می‌سرودند. در غزلیات وی رد پای تضمین از اشعار حافظ و سعدی مشهود است. در مقاله حاضر، اشعار فدایی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی بررسی شده است. وی برای ایجاد موسیقی در اشعارش از عوامل موسیقی‌ساز بیرونی و کناری بهره برده است که بحرهای رمل و مجتث پرکاربردترین آنها است. فدایی در آوردن ردیف مهارت خاصی داشته و خود را ملزم به آوردن ردیف‌های اسمی

کرده است. در سطح زبانی کاربرد لغات عربی دشوار، به کار بردن افعال در معانی قدیمی و کاربرد فعل پیشوندی بسامد بالایی دارد. در سطح ادبی، صنایع بدیعی طیفی گسترده دارد. شاعر در کاربرد آرایه‌های تکرار، تلمیح، لف‌ونشر و تجاهل‌العارف بیشترین بهره را برده است. همچنین در کاربرد انواع صور خیال بیش از همه، از استعاره و تشبیه، به‌ویژه تشبیه حسی به حسی و از انواع آن به‌طور هم‌زمان بهره می‌برد؛ مثلاً در یک بیت شعر هم‌زمان تشبیه مضمّر و تفضیل را به کار گرفته است؛ نیز در بیشتر ابیات به‌ویژه در غزل در یک مصراع تشبیه و در مصراع دیگر استعاره به کار برده است. در سطح فکری شاعر مضامین متعددی را در قالب‌های شعر خود وارد کرده است. مشاهده مضامین مذهبی در اشعار او بیان‌کننده احترامی است که به دین و مذهب خود به‌ویژه امیرمؤمنان علی^(ع) داشته است. فدایی رندانه مضامین عارفانه را به کار می‌برد و مانند حافظ بر محتسب می‌تازد و همنشینی با ریاکاران را نکوهش می‌کند و خود را مرید پیر مغان می‌داند؛ فدایی در غزل و رباعی زمانی از قضا و قدر و جبرگرایی صحبت می‌کند و اندیشه خیامی را به یاد می‌آورد.

منابع

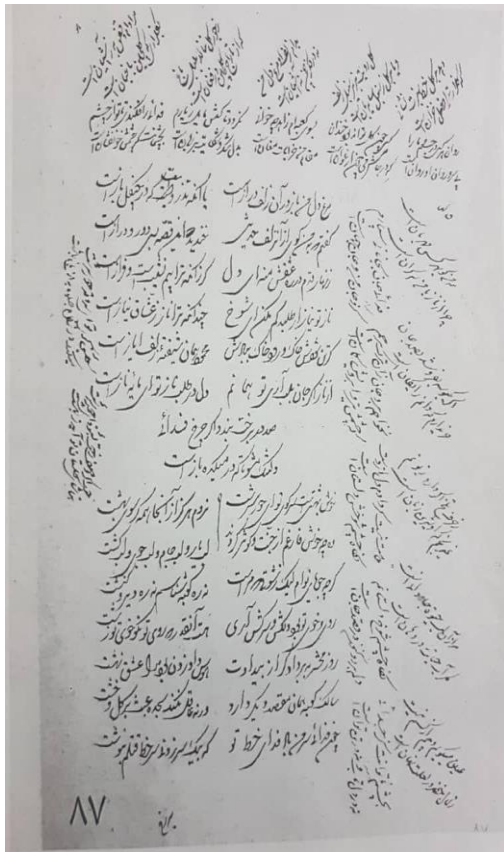
۱. قرآن کریم.
۲. احمد عثمان، حمزه (۱۳۷۸)، شرح و تحقیق و تصحیح نسخه خطی منظومه فی علم النحو (چاپ‌شده)، رساله دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
۳. احمد عثمان، حمزه؛ مسرت، حسین (۱۳۷۸)، «فدایی یزدی و منظومه نحویه او»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۴۴، ۳۴۹-۳۵۹.
۴. انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، دیوان خواجه حافظ شیرازی، چ ۲، تهران: جاویدان.
۵. حسینی، سید احمد (۱۳۶۷)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ج ۱۵، قم: چاپخانه خیام.

۶. خاضع، اردشیر (۱۳۴۱)، تذکره سخنوران، ج ۱، حیدرآباد دکن: کتابفروشی خاضع.
۷. درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرست نسخه‌های خطی (دنا)، ج ۱۵، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران.
۸. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، فهرست نسخه‌های خطی (فنخا)، ج ۱۵، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران.
۹. دیوان بیگی، سید احمد (۱۳۶۵)، حدیقه‌الشعرا، ج ۲، تهران: زرین.
۱۰. رشحه اصفهانی، محمدباقر (۱۳۴۴)، تذکره منظوم رشحه، تهران: امیرکبیر.
۱۱. ریحان یزدی، سید علیرضا (۱۳۵۴)، آیینه دانشوران، ج ۲، یزد: بنیاد فرهنگی و پژوهشی ریحانه‌الرسول.
۱۲. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۴۲)، دیوان سعدی شیرازی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: اقبال.
۱۳. شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، سبک‌شناسی شعر، ج ۶، تهران: فردوس.
۱۴. شیروانی، محمد (۱۳۵۰)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیر یزد، تهران: انجمن آثار ملی.
۱۵. فتوحی یزدی، عباس (۱۳۸۲)، تذکره شعرای یزد، یزد: اندیشمندان یزد.
۱۶. کاظمینی، میرزامحمد (۱۳۸۲)، دانشنامه مشاهیر یزد، ج ۲، یزد: بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانه‌الرسول.
۱۷. کیمانی، محمدرضا (۱۳۹۴)، تصحیح انتقادی غزل‌های فدایی یزدی تا حرف ذ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد.
۱۸. مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۱۹. مدرس تبریزی، میرزامحمد (۱۳۶۹)، ریحانة‌الادب، ج ۲، تهران: حیدری.
۲۰. مدرسی (شهلا)، محمدعلی (۱۳۷۹)، تذکره شبستان، ج ۱، تهران: گیتا.

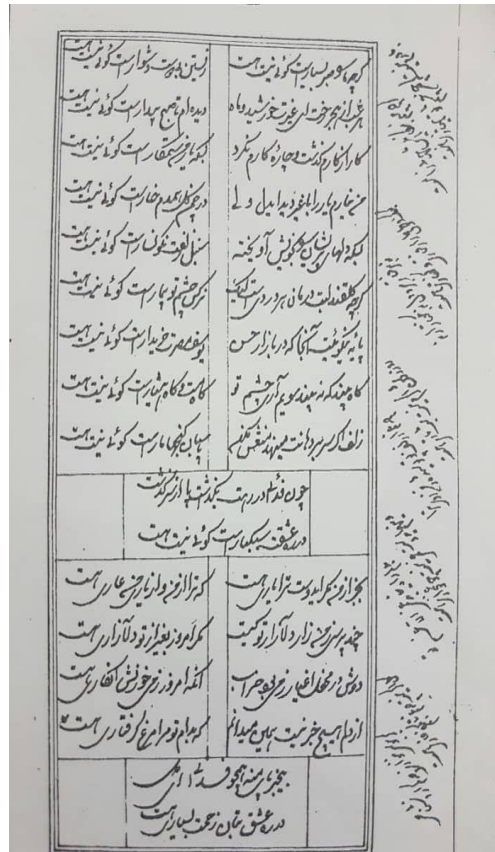
۲۱. وامق، محمدعلی (۱۳۸۱)، تذکره میکده، به کوشش حسین مسرت، یزد: بنیاد فرهنگی و پژوهشی ریحانه‌الرسول.

۲۲. وحشی بافقی، کمال‌الدین محمد (۱۳۵۵)، دیوان کامل وحشی بافقی، ویراسته حسین نخعی، چ ۵، تهران: امیرکبیر.

۲۳. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان بر نسخه‌های خطی»، پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۹، ۱۳۹-۱۶۱.



تصویر شماره ۲: نمونه‌هایی از نسخه خطی در کتابخانه شخصی سید یحیی مدرسی وامق



تصویر شماره ۱: نمونه‌هایی از نسخه خطی در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم